

محرم و صفر چگونه اسلام را زنده نگه داشته است؟



دکتر مهدی بارهانی
پژوهشگر

یکی از بهترین جملاتی که در کوتاه‌ترین حد ممکن، اثرات و برکات قیام الهی امام حسین^(ع) و یاران فداکارشان را برای کل تاریخ تفسیر می‌کند، جمله معروف امام خمینی^(ره) است که: «این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است». اما به راستی چگونه می‌توان عمق این جمله را درک کرد و آن را نیز با تمام وجود درک کرد و معنا بخشید؟ بی‌شک آنچه بیشتر در منظر انسان در محرم و صفر قرار می‌گیرد، تجلی شور و اشتیاق حسینی است که در وجود همه آزادگان و آزاداندیشان جهان جوشش می‌کند که درواقع این همان «خون سیدالشهداست که خون همه ملت‌های جهان را به جوش می‌آورد». اما ورای این شور و هیجان بدون شک شعوری است که هرساله در محرم و صفر تعالی می‌یابد و ان شاء... در زمان ظهور منتقم دشت کربلا به اوج شکوفایی خود می‌رسد. بر این اساس، برخی مبانی محرم و صفر که سبب زنده نگه داشتن اسلام شده است، در سه محور به شرح زیر بیان می‌شود:

تجلی اصول دین: محرم و صفر، موسم یادآوری قیام حسینی است که در آن اصول دین خدا تجلی یافته است، لذا بازخوانی آن عامل مهمی برای زنده نگه داشتن و حیات مستمر اسلام است. آنجا که امام معصوم، عشق به خدا را جایگزین همه دوست‌داشتنی‌های بی‌ارزش دنیایی می‌کند، عملاً به توحید و وحدانیت خدا شهادت می‌دهد یا با ترجیح آخرت بر دنیا، اهمیت معاد را نشان می‌دهد یا با جدا کردن حق از باطل، عدالت را جلوه‌ای دوباره می‌بخشد و قصد خود را از قیام، احیای سنت جدش و مرام پدرش می‌خواند تا امر نبوت و امامت نیز تحقق و تداوم یابد. این‌ها همه و همه گوشه‌ای از تجلی اصول دین در مکتب الهی امام حسین^(ع) است.

احیای فروع دین: محرم و صفر، زمان مرور کردن واقعه مرام و مسلک امام معصوم در احیای فروع دین است؛ همان‌جا که حضرت برای تبیین واقعیت دین در روز عرفه، حج را رها کردند و به طرف کوفه رفتند تا برای تولا‌ی خدا، پیامبر اعظم^(ص) و پدر بزرگوارشان و همچنین تبری از دشمنان ایشان، دست به جهاد بزنند که معارف و ارزش‌های اسلامی را از طریق به‌پا داشتن امریه معروف و نهی ازمنکر زنده کنند. امام حسین^(ع) در بحبوحه جنگ، دست از پیکار می‌کشند و به نماز می‌ایستند تا بگویند نماز، پایه و ستون اصلی دین است. ایشان دشمنان خدا را که در برابرشان صف‌آرایی کرده‌اند، کسانی می‌خوانند که شکمشان از حرام پر شده است، حق خدا، امام معصوم و بیت‌المال را نپرداخته‌اند و به فساد و تباهی خو کرده‌اند.

تازه‌کردن ارزش‌های انسانی و اسلامی: قیام‌سرخ حضرت سیدالشهدا^(ع) ورای مسائل و مفاهیم دینی که در بطن خود دارد، مشتمل بر معارف بزرگ انسانیت و آزادی است. از این‌رو امام خطاب به دشمن و طاغوت زمان خود که به اصول و فروع دین وفادار نیست، می‌فرمایند: «اگر دین ندارید، لااقل آزاده باشید!» حادثه کربلا سرشار از مفاهیم بزرگ انسانی همچون مجاهدت، شهادت، وفاداری، حیا، عزت نفس، گذشت، شرافت، فداکاری و... است. لذا زمانی که در اثنای مجالس پرشور محرم و صفر طی دوماه ذکر مناقب و مصائب اهل بیت^(ع)، مکرر و مرتب این آموزه‌ها که مطابق فطرت آدمی است، تبلیغ و ترویج می‌شود، با روح همه انسان‌ها ارتباط معناداری پیدا می‌کند و انسانیت را معنایی دوباره می‌بخشد و از این طریق، مفاهیم انسانی که دین بر آن تأکید و به آن توجه می‌کند، در جامعه نشر می‌یابد و سبب تازه‌گردانی و جاودانگی ارزش‌های اسلامی می‌شود.

بعد از واقعه عاشورا تا به امروز بارها طاغوت و طاغوتیان زمان بر آن بوده‌اند که نام حضرت اباعبدا...الحسین^(ع) و نهضت جاویدان ایشان را از بین ببرند و از لوح زمان پاک کنند، غافل از آنکه «دشمنت کشت، ولی نور تو خاموش نگشت/ آن جلوه که فانی نشود، نور خداست».

نکته روز

روز سرخی که تمام نشد

ریحانه عامل‌نیک! چشم‌هایش را باز کرد. خورشید در آسمان می‌درخشید. خورش رنگ زمین را سرخ کرده بود. یاران وفادارش در گوشه‌وکنار در خون خود افتاده بودند، صدای زاری و شیون عالم هستی در گوشش طنین‌انداز بود. کم مانده بود آسمان از درد بشکافد. شاید این آخرین چیزهایی بود که حسین، فرزند علی^(ع)، با چشمان خود می‌دید و با گوش‌های خود می‌شنید. در کتب تاریخی، آخرین کلمات امام حسین^(ع) ذکر شده است که با آن لب‌های خشکیده در آخرین لحظات می‌فرمود:

«اللَّهُمَّ! مُتَعَالَى الْمَكَانِ. عَظِيمَ الْجَبَرُوتِ. شَدِيدَ الْمَحَالِ، غَنِيٌّ عَنِ الْخَلْقِ، غَرِيْبُ الْكَثَرِ، قَادِرٌ عَلَى مَا تَشَاءُ، قَرِيبٌ إِلَيْخَمَّةٍ. صَادِقُ الْوَعْدِ، سَابِغُ التَّغْمَةِ، خَسَنُ الْبِلَاءِ، قَرِيبٌ إِذَا دُعِيَ، مُحِيطٌ بِمَا خَلَفْتَ، قَابِلُ التَّوْبَةِ لِمَنْ تَابَ إِلَيْكَ. قَادِرٌ عَلَى مَا أُرْتِ، وَ مُذَكِّرٌ مَا ظَلَمْتَ، وَ شَكُورٌ إِذَا شُكِرْتَ، وَ ذَكُورٌ إِذَا ذُكِرْتَ، أَذْغُوكَ مُحْتَاجًا، وَ أَزْغِيْبُ إِلَيْكَ فَقِيرًا، وَ أَفْزَعُ إِلَيْكَ خَائِفًا، وَ أَنْبِي إِلَيْكَ مَكْرُوبًا، وَ اسْتَعِيْبُ بِكَ ضَعِيفًا، وَ أَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ كَافِيًا، أَحْكَمُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا، فَانْهَمْ غُرُونَا وَ خَذْلُونَا وَ عَذْلُونَا بِمَا وَ قَتْلُونَا، وَ نَحْضِ عَثْرَةَ نَبِيِّكَ، وَ وَلِّدْ خَبِيْبَكَ مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ... الَّذِي اسْطَفَقْتَهُ بِالنَّوَالِهِ وَ اسْتَمْتَنَّهُ عَلَى وَحْيِكَ، فَاجْعَلْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا فَرْجًا وَ مَخْرَجًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ».

ای خدایی که مقامت بس بلند و قدرتت عظیم و غضبت شدید! تو که از مخلوقات خود بی‌نیازی و کبریا‌یی‌ات فراگیر است! به آنچه بخواهی، توانایی! رحمتت به بندگانت نزدیک، وعده‌ات صادق، نعمت کامل و شامل، امتحانات زیبا، به بندگانت که تو را بخواهند، نزدیک و بر آنچه آفریده‌ای، محیطی! هرکه را از در توبه درآید، بذریابی! بر آنچه اراده کنی، توانایی و آنچه طلب کنی، می‌یابی! شاکرینت را شکرگزاری! یادکنندگان را یاد آوری! من نیازمندان تو را خوانم و فقیرانه به‌سویت روی آرم و بیمناکانه به پیشگاهت ناله می‌کنم و غمگینانه دربرابرت می‌گیرم و ضعیفانه از تو مدد می‌جویم و خود را به تو واگذار می‌کنم که بسنده‌ای!

خداوند! تو در میان ما و این مردم، دوری کن که آن‌ها درباره ما مکر و حيله کردند و دست از یاری ما برداشتند. درمورد ما عهدشکنی و خیانت کردند و ما را که عزت پیامبر^(ص) و فرزندان حبیب تو محمد^(ص)! ای همیشه‌زنده بی‌پایان! پیامبری که تو او را به رسالت خویش برگزیدی و امین وحی خود قرارش دادی! ای ارحم الراحمین! در حوادث برای ما گشایش و در گرفتاری‌ها، برایمان رهایی عنایت فرما!

و در نهایت مناجات خود را با این کلمات به پایان برد:

ای پروردگار که جز تو خدایی نیست، در مقابل قضا و قدرت شکیبایم. ای فریادرس دادخواهان که جز تو مرا پروردگاری و معبودی نیست، بر حکم و تقدیرت، صابر و شکیبایم. ای فریادرس بی‌کسان! ای همیشه‌زنده بی‌پایان! ای زنده‌کننده مردگان! ای ثابت و برقراری که هر کس را با کردارش می‌سنجی!

میان من و این مردم، حکم کن که تو بهترین حکم‌کنندگانی! پس از آن حسین^(ع) صورت بر خاک گذاشت و فرمود: «بسم... و بالله و فی سبیل... و علی‌مله رسول...»(لهوف). این‌گونه خون سرخ حسین^(ع) و یاران او، زمین را گلگون کرد و در آن خاک، معنای آزادی و عبودیت همیشه جاودان ماند.

منابع:

- ۱- مصباح‌المتجهد و الاقبال.
- ۲- اسرارالشهداء، ص ۴۲۳.
- ۳- ریاض‌المصائب، ص ۳۳.
- ۴- مقتل مرقم، سید عبدالرزاق مرقم^(ره)، مترجم: عبدالرحیم عقیقی بخشایشی.



شهریار
۴شنبه
۲۷ تیر ۱۳۹۳
۱۱ محرم ۱۴۴۴
شماره ۴۴۴۴

۱۴



دارای شأن و مقام بود

خطبه‌های ماندگار حضرت زینب^(س) سندی محکم در حقانیت خاندان اهل بیت^(ع) و همچنین شاهی بر مقام علمی آن‌هاست؛ مقامی که امام سجاد^(ع) درباره‌اش چنین می‌فرماید: «ویحمدا... شما زن عالمی هستید که استاد نداشته است و فهمیده‌ای هستید که فردی به شما تفهیم نکرده است».

خردمند و فصیح بود

ابن اثیر نیز درباره آن حضرت چنین می‌نویسد: «زینب دختر علی بن ابیطالب^(ع)... اوزنی عاقل، خردمند و فصیح بود. پدرش او را به ازدواج فرزند برادرش عبدا... درآورد، او با برادرش بود و هنگامی که برادرش به شهادت رسید، به دمشق برده شد و صحبت او با یزید، دلالت بر عقل و شدت شجاعت او دارد».

فقیه بود

سبحانی تیزی در کتاب «موسوعه طبقات الفقهاء» نام زینب^(س) را به عنوان یکی از فقیهان قرن نخست هجری قمری ذکر کرده و به شرح پاره‌ای از فضایل و ویژگی‌های آن بانوی بزرگوار پرداخته است. برای آگاهی از این ویژگی‌ها، کافی است به کتابخانه مراجعه کنید.

خطیب بود

سخنان و خطبه‌های زینب^(س) در کوفه و همچنین در دربار یزید که همراه با استناد به آیات قرآن کریم بود، بیانگر دانش ایشان است. «حذلم بن کثیر» که از سخنوران عرب است، درمورد حضرت بیان کرده است: «گویا حضرت زینب^(س) سخنانش را در کوفه از زبان امیرالمؤمنین^(ع) قصد و آهنگ می‌کرد».

آنچه از جایگاه و مقام حضرت زینب^(س) در طول تاریخ بیان شده است

بانوی صبر و روشنگری

راوی حدیث بود

ایشان احادیثی از مادرشان حضرت زهرا^(س) نقل کرده‌اند. در کتاب مقاتل الطالبین، عبدا... بن عباس سخنان حضرت زهرا^(س) در مورد فدک را به نقل از حضرت زینب^(س) روایت کرده است. محمد بن عمرو، عطاء بن سائب و فاطمه بنت الحسین نیز از ایشان حدیث نقل کرده‌اند (اعلام النساء، ج ۲، ص ۹۱).

مفسر قرآن بود

در کتاب «ریاحین الشریعه» جلد سوم آمده است که زینب^(س) هنگام حضور امام علی^(ع) در کوفه، برای زنان در مسجد، مجلس تفسیر قرآن داشته و این مجلس در بسیاری از اسناد دیگر هم ذکر شده است. سؤال و جواب‌ها نشان از حسن اخلاق و صبوری حضرت دارند.

معلم دین بود

همچنین در اسناد عایشه بنت الشاطی از قول جاحظ می‌نویسد: «چنان‌که در برخی روایات آمده است، حضرت زینب^(س) دارای مجلس علمی پرباری بودند و زنانی که قصد تفقه در دین داشتند، بر [حلقه درسی] ایشان وارد می‌شدند». (السیده زینب عقیله بنی‌هاشم، ص ۲۵).

وصی امام بود

شیخ صدوق در کتاب «کمال الدین» نقل کرده است که در قضیه عاشورا، امام حسین^(ع) خواهرش را وصی خودش قرار داد و اسرار و علوم امامت را به ایشان منتقل کرد تا بعدها به امام سجاد^(ع) برسد.

پیامبر اکرم^(ص)

ای فاطمه! همه چشم‌ها در روز قیامت گریان است
جز چشمی که بر مصیبت‌های حسین بگریزد.

یا فاطمه! کُلُّ عَيْنٍ بِاَكِيَةِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ
إِلَّا عَيْنُ بَكْتِ عَلِيٍّ مُصَافٍ الْحُسَيْنِ

بحارالانوار
ج ۴۴، ص ۲۹۳

با آن دست‌های حنایی

شام غریبان حسین^(ع) است. امشب امام زمان^(عج) عزادار است. آقا سرتون سلامت! آی دل‌های کربلایی! امشب با زینب^(س) و امام سجاد^(ع) برای غریبی حسین گریه کنید. قربان دل شکسته‌تون برم بی‌بی زینب! بچه‌ها سراغ بابا را از عمه می‌گیرند، عمه جان! کو بابا؟ یکی سراغ عمو را از عمه می‌گیرند، عمه جان! عمو جانمان عباس چه شد؟ یکی سراغ علی اکبر را می‌گیرند، یکی سراغ قاسم را می‌گیرند. خانم رباب می‌صدا می‌زند، علی اصغرم کجایی؟ قربان لب‌های تشنه‌ات برم علی جان! قربان قنداقه پرخونت برم پسر! چرا کسی به زینب تسلیت نمی‌گه؟ مگه رسم این نیست؟

الهی خواهرت زینب بمیرد

نماند بعد تو ماتم بگیرد

اگر کشتند، چرا آیت ندادند؟

تو را ز آن دُر نایابت ندادند؟

بی‌بی و ممد علی سینه می‌زدند و من چادرم را روی صورتم کشیده بودم و گریه می‌کردم. روزه سه نفره ما چه باشکوه بود آن شب!

از شهادتش، چه چیزهایی بر بی‌بی زینب^(س) می‌گذره و دو مصیبت، دو غم بود که حسین^(ع) را کشت، آقا را از پا انداخت، یکی غصه تشنگی بچه‌ها و یکی غصه اسیری حضرت زینب^(س). این دو مصیبت، ابی‌عبدا...^(ع) رو غصه‌دار کرده بود زی‌ونم لال...»، شانه‌های ممد علی تکان می‌خورد و بی‌بی دست سرخ و حنایی‌اش را بر روی پایش می‌زد و ناله می‌کرد. ممد علی دیگر نوحه می‌خواند و سینه می‌زد:

امشب که شب شام غریبان حسین است

با فاطمه هم ناله، یتیمان حسین است

از خیمه رود سوی شما شعله آتش

سوزان دل طفلان پریشان حسین است

می‌خواستم روزه ممد علی را قطع کنم که

بی‌بی طاقتش تمام نشود اما ناگهان ممد علی

رو کرد به قبله و گفت: «السلام علیک

یا صاحب‌الزمان! شب

توی حال خودش نبود و به قول دکتر، عقلش رو به زوال بود. شب شام غریبان من کنارش بودم. قبل غروبی ناگهان انگار من را شناخت. چشمانش حالت گرفته بود. دستم را گرفت و گفت: «زینب جان! من رو می‌بری مسجد؟» دستانش سرد بود اما لطیف و سرخ. مامان حنا گذاشته بود قبل محرم برایش. گفتم: «بی‌بی! نمی‌تونم ببرمت. می‌خوای تلویزیون رو روشن کنم؟» گفت: «نه، بگو ممد علی بیاد برام روزه بخونه». به هر زحمتی بود، با کمک بابا و دیگران ممد علی از کارهایش فارغ شد و آمد نشست کنار بی‌بی: «بی‌بی می‌شنوی؟» بی‌بی سرتکان داد. «بی‌بی! من روزه خوندن بلد نیستم، ولی همون قدر که یادمه، از روزه‌هایی که شنیدم، می‌خونم برات، صلی... علیک یا اباعبدا...!...

می‌گن قبل شام غریبان، امام

می‌دونسته بعد



زهره
ریحانه عامل‌نیک

بی‌بی سواد خواندن نداشت، نمی‌توانست زیارت‌نامه‌ها را بخواند. اما خب دلش خوش بود که می‌تواند برود مسجد محله‌شان که یک کوچه پایین‌تر بود و روزه‌گوش کند و پای منبر بنشیند. لنگ‌لنگان خودش را هرطور بود، به مسجد می‌رساند. خادم مسجد، «ممد علی»، همیشه می‌گفت: «بی‌بی جان! بگو خودم پیام دنبالت». بی‌بی اما می‌گفت: «نه پسر! برای امام حسین و بی‌بی زینب باید سختی کشید. تا حالا کربلا رفتی؟ می‌گن اصلاً صدمه دیدن و سختی کشیدن از ادب زیارت آقا است. بهمیرم برای اسرا! بهمیرم برایی بی‌بی!... اشک‌هایش روی چهارقدش نمی‌ریخت، بلکه لای چین‌وچروک‌های صورتش باقی می‌ماند. اعتقاد داشت گریه برای امام حسین^(ع)، آن دنیا به آدم آبرو می‌دهد.

امسال نتوانست به مسجد برود. تا سوعا و عاشورا

احکام

سایه تابلویی که روی آن بسم... یا آیه‌ای از قرآن نوشته شده است.

مَسْ آیات قرآن در آیینته.

مَسْ آیات قرآن در تلویزیون و موبایل

مَسْ آیات قرآن و اسمای جلاله از روی سلفون، شیشه، یووی و ...

مَسْ کلمات مشترک قرآن در صورتی که به عنوان کلمات قرآن نباشد، مانند ابولهب، ابلیس، فرعون و ...

لمس آیات قرآن

در چند مورد مَسْ آیات

و نام‌های مقدس، مانعی ندارد؛